

تفسیر سوره عادیات (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲) فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳) فَأَأْتِرْنَ بِهِ نَقْعًا (۴) فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶) وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (۷) وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸) أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹) وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰) إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ (۱۱)

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

سوگند به آن اسب‌ها که نفس‌زنان به سوی میدان جهاد تاختند، (۱) و سوگند به آنها که با نواختن و تاختن بر سنگلاخ‌ها به وسیله سم‌هایشان شراره آتش برآوردند، (۲) و سوگند به آنها که بامدادان بر دشمن به ناگهان یورش بردند، (۳) و با آن یورش غباری برانگیختند، (۴) و بدین وسیله میان سپاه دشمن درآمدند، (۵) به آنها سوگند که آدمی در برابر نعمت‌های پروردگارش بسیار ناسپاس است. (۶) و او قطعاً بر ناسپاسی خود گواه است. (۷) و چون شیفته مال است بسیار بخیل است. (۸) آیا نمی‌داند که ناسپاسی خدا پیامدی ناگوار دارد؟ آن روز که دفن‌شدگان در گورها برانگیخته می‌شوند. (۹) و آنچه در سینه‌هاست همه را فاش می‌گردانند. (۱۰) به یقین، آن روز پروردگارشان به آنان آگاه است. (۱۱)

شناسهٔ سوره

اولین نکته درباره این سوره این است که آیا مکی است یا مدنی است؟ نکته قابل توجه مفسران این سوره را مکی دانستند. دلیلشان هم این است که سبک واحدی است که این آیات این سوره دارد و {۳۸:۰۹ نامفهوم} در نظام ریتم و سجع آیات سوره مکی هست. این سوره‌های مکی آیات و جملات کوتاهی دارند و {۳۸:۲۲ نامفهوم} در آن هست و دارای ریتم و سجع یک سان و همسانی دارند. برخلاف آیات سوره مدنی که آیات در واقع آیات مفصلتر و بلندتر است و سجع و ریتم آیات در واقع {۳۸:۴۴ نامفهوم}.

برخی از مفسران مثل مرحوم علامه طباطبایی این سوره را مدنی دانستند. دلیلشون هم این است که این آیات این سوره آیات نخستین این سوره مربوط است به جهاد و جهادگران و {۳۹:۰۳ نامفهوم} جهادگران و چون جهاد در مکه تشکیل نشده بود در مدینه جهاد تشکیل شد {۳۹:۱۲ نامفهوم} از آیات نخستین است پس این سوره باید سوره مدنی باشد. در واقع کسانی که میگویند این سوره مکی است توجه به ریتم آیات این سوره دارند. مرحوم

علامه طباطبایی که میفرماید این سوره مدنی هست توجه به مضمون و مفاد این سوره دارد. از نظر ایشان اگر مفاد یک سوره در واقع با مدنی بودن سازگار بود این قرینه ترجیح دارد بر بقیه آیات آن سوره.

موضوع محوری سوره

نکته دوم این هست که موضوع محوری این سوره چیست؟ این سوره در واقع موضوع اصلی اش چیست؟ مرحوم علامه طباطبایی میفرماید که موضوع اصلی و محوری این سوره اقرار به نعمت الهی است و آنهایی که کفران نعمت الهی دارند محبت شدیدی به دنیا دارند و این کفرانشان هم از روی آگاهی است و علت این کفران هم همین محبت شدید است و اینکه در واقع اینها در روز قیامت حسابرسی میشوند و مجازات میرسند.

هر چند که نکته ای که ایشان فرمودند به لحاظ موضوع محوری قابل تامل است به نظر من میشود این سوره را از یک منظر دیگری دید و موضوع محوری این سوره را چیز دیگری قلمداد کرد و آن راز و فلسفه جهاد با مستکبران است. در واقع اگر کسی بخواهد بگوید که بپرسد این سوره موضوع اصلی اش چیست؟ ما میتوانیم بگوییم که موضوع اصلی این سوره راز و فلسفه جهاد با مستکبران هست. حالا بعدا عرض میکنم این نکته در این است که در ذهن بنده هست عرض میکنم که این آیا قابل قبول هست یا نیست.

سه بخش سوره

خب بعد از اینکه توضیحی دادیم درباره موضوع محوری این سوره این نکته را هم باید بگوییم که این سوره سه تا بخش دارد. بخش اولش که از پنج آیه اول تشکیل میشود و در واقع در این پنج آیه خداوند متعال قسم میخورد به اسبان مجاهدان. در حالات مختلفی اسبان مجاهدان قسم میخورد. بعد از اینکه قسم های خداوند متعال به اسبان و مجاهدان در واقع تمام میشود در این پنج آیه در سه آیه بعدی توصیف میکند کافران مستکبر را نه همه کافران را. و در سه آیه آخر تحریک میکند این کافران مستکبر را و توصیف میکند احوالشان را در روز قیامت.

آیه اول

اما بخش نخستین سوره که پنج آیه اول است از اینجا شروع میشود والعادیات ضبحا، قسم به عادیات در حالی که نفس نفس میزنند.

ضبح

ضبح یعنی نفس زدن. موقعی که اسب در واقع یک مسافت قابل توجهی را با سرعت حرکت میکند و بعد که می ایستد یک صوتی از گلویش می آید و این نفس نفسی میزند که عرب بهش میگوید ضبح.

عادیات

عادیات هم از عدو است عدو یعنی با سرعت دویدن و معنای این آیه میشود که قسم به اسبانی که با سرعت میدوند و در آنها نفس نفس میزنند. فخر رازی اینجا گفته است درست است که معنای ظاهر این آیه این است که خداوند دارد قسم میخورد به اسبان مجاهد در حالی که با سرعت میدوند و نفس نفس میزنند ولی این آیه یک معنای کنایی را هم دارد یک نکته دیگری را هم دارد بیان میکند میگوید قسم به آن اسبانی که رنج و مشقت و کوشش در راه در واقع جهاد یا خواسته راکبش را تحمل میکند و از پا نمی افتد و تمام کوشش و تلاشش را میکند تا راکب خودش را، ولی نعمت خودش را به مقصود برساند.

آیه دوم

آیه بعدی این است فالمورایت قدحا؛ البته این پنج آیه ای که ما داریم به این شکل بیان میکنیم و تفسیر میکنیم تفسیرهای در واقع مخالف هم دارد تفسیرهای دیگری هم مفسران کردند که بعد از اینکه این پنج آیه تمام شد من اشاره میکنم به تفسیری که برخی از مفسران دارند چون تفسیرشان نه در واقع متکی به قرائن درون متنی در این سوره هست نه برون متنی، قول ضعیفی است لذا ما خیلی بهش توجه نداریم و به اشاره در آخر ازش میگذریم. پس والعدایات ضبحا یعنی این.

موریات

فالموریات قدحا؛ موریات از {۴۳:۴۴ نامفهوم} جرقه ایجاد کردن، آتش ایجاد کردن، بیرون آوردن آتش و جرقه از در واقع میان دو چیز، دو تا سنگی که به هم میزنند سنگ چخماق را که میزنند یک جرقه ای میزند یک آتشی میزند به او. این را اصطلاحاً به آن میگویند {۲:۴۵ نامفهوم}. موریات یعنی قسم به اسبانی که در اثر کوبیدن سم پایشان در واقع پایشان به آن سنگ ها و سنگلاخ ها جرقه تولید میشود، آتش تولید میشود.

قدح

قدح هم که عرض کردیم به معنای کوبیدن یک شی ای در یک شی دیگری هست. برخی از مفسران در اینجا گفته اند که نه مراد در این آیه آن آتش فتنه ای است که برخی ها با سخنانشان اینجا میکنند با {۳۹:۴۵ نامفهوم} با تهمت کردن، با غیبت کردن، با سخنان ناروایی آتش فتنه ای در واقع در میان یک جمعی ایجاد میکنند. آتش زبان آنها را قرآن کریم در اینجا دارد بیان میکند. به قول مولوی ظالم آن قومی که {۵۷:۴۵ نامفهوم} دوختند زان سخن ها عالمی را سوختند عالمی را یک سخن ویران کند {۴:۴۶ نامفهوم}

اینها را این را فرمودند اما این در واقع با سیاق آیات سازگار نیست با آیات قبل و بعد سازگار نیست با روایاتی که در ذیل این آیات آمده سازگار نیست. پس فالموریات قدحا؛ برای اینکه همنوا بشود هم معنا و همداستان بشود با ایه قبلی به این معنا. در آیه قبلی به اسبان مجاهدان قسم خورد در حالی که با سرعت به سوی مقصد مجاهد حرکت میکنند و نفس نفس میزنند و به تعبیر فخر رازی در آن تلاش و کوششی که میکنند خسته نمیشوند رنجش را تحمل میکنند فالموریات قدحا؛ یعنی قسم به آن اسبان مجاهدی که موقعی که در سنگلاخ ها با سرعت میروند در اثر کوبیدن پایشان در سنگ ها جرقه و آتش تولید میکنند.

آیه سوم

مغیرات

فالمغیرات صباحا؛ مغیرات از اغاره هست. اغاره یعنی هجوم بردن با سرعت و به صورت غافلگیرانه. اگر بر دشمن با سرعت حمله شود یک، و غافلگیرانه هم باشد دو، این تعبیر میکند به آن اغاره. فالمغیرات یعنی قسم به آن مجاهدانی که آن اسبان مجاهدان و راکبانشان که با سرعت بر دشمنان دین خدا هجوم میبرند و این هجوم و حمله شان هم غافلگیرانه هست.

صبح

صبح هم در اینجا به همان معنای صبح است یعنی طلوع آفتاب. پس قسم به مجاهدانی که در طلوع آفتاب با یک حمله سریع و غافلگیرانه به دشمن هجوم میبرند.

ادامه آیات باشد انشاءالله برای جلسه بعد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.